

## تحلیل تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری: مطالعه موردی تعاونی‌های آبربران سفید برگ و سراب بس استان کرمانشاه

### نسرین افشار\* و کیومرث زرافشانی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۶)

#### چکیده

تمرکز زدایی و برون سپاری وظایف و مسئولیت‌ها به بهره‌برداران از سیاست‌های مهم دولت‌ها محسوب می‌گردد که این مسئله در زمینه مدیریت آبیاری نیز مصداق دارد به طوری که اکنون انتقال مدیریت آبیاری به بهره‌برداران در قالب تشکل‌های آبربران معمول گردیده است. لذا جلب مشارکت بهره‌برداران در زمینه مدیریت آبیاری ضروری می‌باشد، هم چنین با توجه به این که تمایل به عنوان مهمترین پیش‌بینی‌کننده رفتار محسوب می‌گردد لذا هدف این مطالعه سنجش میزان تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری در بین کشاورزان عضو تعاونی‌های آبربران سفید برگ و سراب بس در استان کرمانشاه تعیین گردید که با استفاده از طرح تحقیق تلفیقی صورت گرفته است. از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی برای انتخاب نمونه آماری استفاده شد و در نهایت ۱۰۳ پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل گردید. در بخش کمی تحقیق، نتایج حاصل از کاربرد تحلیل تشخیصی گام به گام نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند وسعت دیمکاری، میزان تحصیلات، وضعیت تاسیسات آبیاری، نگرش نسبت به مدیریت مشارکتی آبیاری و سن، بیشترین اهمیت را در تشخیص تمایل بهره‌برداران به مشارکت در مدیریت آبیاری داشته‌اند. هم چنین در بخش کیفی، نتایج حاصل از تحلیل محتوایی پرسشنامه باز که در قالب مصاحبه غیر ساختارمند انجام گرفت، ضمن تایید عوامل مزبور، نشان دهنده تاثیر عوامل دیگری هم چون وضعیت اقتصادی بهره‌برداران، روحیه جمع‌گرایی و هم چنین اعتقاد بر تمایل نسبت به مقوله مدیریت مشارکتی آبیاری می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد به منظور جلب مشارکت بهره‌برداران در مدیریت آبیاری قبل از اقدام به ایجاد تشکل‌های آبربران، به انجام مطالعات نگرش‌سنجی، انتخاب افراد پیشرو با ویژگی‌های مناسب و بهسازی تاسیسات آبیاری، مبادرت گردد، به طوری که در نهایت، به منظور مشارکت فعال و پایدار بهره‌برداران در مدیریت آبیاری، به عنوان ضرورتی مسلم در شرایط فعلی کشور، زمینه‌های لازم مهیا گردد.

**واژه‌های کلیدی:** تشکل‌های آبربران، تمایل، مدیریت مشارکتی آبیاری، تحلیل تشخیصی.

۱- به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

\*- مسئول مکاتبات، پست الکترونیکی: [nafshar84@yahoo.com](mailto:nafshar84@yahoo.com)

## مقدمه

در حال حاضر آب به عنوان یک عنصر منحصر به فرد، جایگاه حساسی در زندگی بشر ایفا می‌کند. به گواه آمارها اکنون بسیاری از کشورهای جهان در دسته کشورهای کم آب، قرار دارند و این بدان معناست که آنها برای ادامه توسعه کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های با نیاز بالا به منابع آب با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند. حدود دو سوم اراضی فاریاب جهان در کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. به عبارتی در این کشورها کشت آبی، جزء اصلی‌ترین عوامل تولید غذا محسوب می‌شود. با این حال، طبق بررسی و گزارش فائو در سال ۲۰۰۰ میلادی، متوسط راندمان آبیاری در کشورهای در حال توسعه ۳۸ درصد بوده است و این بدان معناست که علیرغم محدودیت منابع آب و توزیع نامناسب آن متأسفانه بهره‌وری و کارایی استفاده از این منابع نیز بسیار پایین می‌باشد (احسانی و خالدی، ۱۳۸۳).

مروری کوتاه از پیشینه مدیریت آب و آبیاری، حاکی از این است که مهم‌ترین عامل پایین بودن میزان کارایی آب که به تدریج جهان را وارد بحران نموده، جدایی بهره‌برداران از بدنه مدیریتی منابع آب می‌باشد (پورزند، ۱۳۷۸). تجربه دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی نشان داد که اگر چه ورود دولت‌ها به عرصه ساخت و ساز ابنیه‌های بزرگ تأمین و توزیع آب، نوید بخش رشد سریع کشاورزی در کشورهای در حال توسعه بود اما این رویکرد، مسایل و مشکلات اجتماعی بسیاری را به جامعه روستایی تحمیل نموده است. این مشکلات با بی‌توجهی به ضرورت حضور کشاورزان در مدیریت و برنامه‌ریزی شبکه‌های آبیاری آغاز شد. از دیگر نتایج منفی این رویکرد، تحمیل مسایلی بر شبکه‌های آبیاری مانند نگهداری ضعیف سیستم آبیاری، اتلاف آب و فقدان انگیزه برای صرفه‌جویی آب بود (حیدریان، ۱۳۸۴).

در پاسخ به نیازهای موجود در مدیریت کارآمدتر شبکه‌های آبیاری در جهان از سوی موسسه اقتصادی بانک جهانی، برنامه‌ای تحت عنوان *مدیریت آبیاری مشارکتی* (Participatory Irrigation Management) که به اختصار PIM نامیده می‌شود به مرحله اجرا درآمده است که به

نظر می‌رسد مدیریت آبیاری مشارکتی، امیدهایی را در رابطه با دو چالش بزرگ موجود ایجاد نماید. نخستین چالش، کمیابی فزاینده آب کشاورزی است که به موازات افزایش تقاضا برای آب و رقابت بخش‌های شهری و صنعتی برای استفاده بیشتر از منابع آب، دسترسی سنتی بخش کشاورزی را به آب ارزان، دشوارتر ساخته است و دومین چالش کشاورزی آبی، بار مالی بهره‌برداری و بروز مشکلات عدیده در زمینه نگهداری در زیر ساخت‌ها است که به گونه‌ای فزاینده، پر هزینه‌تر می‌شود (نجفی، ۱۳۷۸). این مسئله در کنار مجموعه‌ای از سایر عوامل که همگی از نادیده گرفتن بهره‌برداران اصلی منابع آب و آبیاری نشات می‌گیرد، مشکلات بسیار عدیده‌ای را در روند مدیریت شبکه‌های آبیاری توسط دولت‌ها به بار آورده است. برخلاف دیدگاه قدیمی که بر وجود مدیریت قوی دولتی برای اداره امور آبیاری، تأکید دارد، رهیافت مدیریت مشارکتی آبیاری بر این فرضیه، تأکید دارد که بهره‌برداران آب، خود مناسب‌ترین مدیران منابع آب محسوب می‌شوند (World Bank, 1998).

مبنای نظری رهیافت مدیریت مشارکتی این است که با توجه به وابستگی معیشت کشاورزان به آب و آبیاری، آنان انگیزه قوی‌تری برای مدیریت هر چه بهتر منابع آب دارند. بنابراین، بهره‌گیری از مشارکت مردمی در اداره امور آبیاری، بهترین و کاربردی‌ترین گزینه اصلاح ساختار مدیریت آبیاری محسوب می‌شود. اگر چه مشارکت منسجم و اصولی انجمن‌های متشکل از بهره‌برداران در مدیریت آب که در نهایت به انتقال مدیریت آب می‌انجامد، نیازمند تدوین قوانین لازم و حمایت‌های دولتی متعدد است، اما تمایل بهره‌برداران به مشارکت در مدیریت منابع آب از مهمترین ضروریات است. چرا که مشارکت به هر صورتی که باشد باید ناشی از تمایل درونی افراد بوده و چنان چه افراد دریابند که همکاری و مشارکت آنها می‌تواند مشکلی از مشکلات زندگی اقتصادی و اجتماعی آنها را برطرف سازد، در مشارکت، درنگ نخواهند کرد (سالکی، ۱۳۶۹).

بر اساس منابع روانشناختی و طبق نظر محققانی از جمله کیم وهانتر، میلان و کتز و آژن، بررسی تمایل به انجام

موثر است (Prasad Bhatta *et al.*, 2006). درآمد کشاورزان در نوع رفتار و تصمیم‌گیری آنها، جهت مشارکت تاثیر می‌گذارد (Mathijs & Toma, 2005). نتایج تحلیل رگرسیون در تحقیقی با هدف بررسی مشارکت کشاورزان در طرح‌های توسعه آبیاری در بین اعضا تشکل کشاورزی (Doho Rice Schemes) در کشور اوگاندا، نشان داد که مشارکت در طرح‌های آبیاری و تامین هزینه‌های آن با میزان درآمد خانوار از کشت برنج (زراعت آبی منطقه)، برخورداری فرد از منازل با کف سیمانی (از شاخص‌های توان مالی)، دسترسی به منابع غیر کشاورزی و دسترسی به اعتبارات، دارای رابطه مثبت و معنی‌دار و هم‌چنین با عواملی هم‌چون، تعداد قطعات برنج تحت تملک فرد (از شاخص‌های توان مالی)، مالکیت زمین، رابطه منفی معنی‌داری را دارا می‌باشد (Sserunkuuma *et al.*, 2000).

در مطالعه ای که توسط تقوی در سال ۷۸ صورت گرفته و عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر مشارکت روستائیان در طرح‌های منابع طبیعی مورد بررسی قرار گرفت، بیان شد که وضعیت اقتصادی ضعیف روستائیان منجر به کاهش مشارکت می‌گردد (عزیزی خالخیلی، ۱۳۸۶). نتایج مطالعه پنج شبکه آبیاری سفید رود، دز، درودزن، قزوین و ورامین حاکی از این بوده‌است که کوچک بودن قطعات اراضی، درآمد کم بهره‌برداران از طرفی و هم‌چنین هزینه‌های سنگین نگهداری و بهره‌برداری شبکه‌ها، از جمله مشکلات مدیریتی در شبکه‌های آبیاری مزبور محسوب می‌گردد (منتظر و حیدریان، ۱۳۷۹). ویژگی‌های شخصیتی افراد شامل حس جمع‌گرایی، تقدیرگرایی و اعتماد به نفس نیز می‌تواند بر مشارکت افراد موثر باشد (ازکیا، ۱۳۸۲؛ Pallen, 1996؛ خورشیدی‌فر، ۱۳۸۴؛ پورزند، ۱۳۷۸؛ افشار، ۱۳۸۳). نتایج مطالعه‌ای در کره نشان داد که ۵۴/۲ درصد از بهره‌برداران، مشارکت در مدیریت آبیاری را مشکل و تقریباً غیر ممکن دانسته و علت این مسئله را پایین بودن حس جمع‌گرایی عنوان داشته‌اند (Im *et al.*, 2000).

نتایج تحلیل و ارزیابی مردم فقیر روستایی جنوب آفریقا، نشان داد دلیل اصلی عدم تمایل به مشارکت آنها در

رفتار، بهترین پیش‌بینی کننده انجام رفتار محسوب می‌شود (Krueger *et al.*, 2000).

مشهورترین و مهمترین نظریه‌ای که در این زمینه مطرح شده است، متعلق به آژن و فیش باین می‌باشد. به نظر آنها، رفتار در حالتی قابل پیش‌بینی، درک و توضیح است که ما به قصد شخص در رفتار توجه نماییم. به عبارتی رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید و حلقه ما قبل بروز رفتار، قصد و نیت رفتاری (Behavior intention) است. از آنجا که مشارکت یک کنش اجتماعی است، بنابراین می‌توان در توضیح و تبیین آن از نظریه‌های مربوط به کنش اجتماعی بهره گرفت. نظریه کنش موجه، معتقد است که مقاصد رفتاری، تاثیر مستقیمی بر رفتار دارند.

با توجه به این که رفتار افراد تابعی از تمایل آنها محسوب می‌شود (Krueger, *et al.*, 2000)، لذا تحلیل و بررسی رفتار احتمالی کشاورزان در موقعیت‌های مختلف، پیشنهاد می‌شود و از طرفی ایجاد تمایل در فرد، جهت انجام هرگونه رفتار مشارکتی، درگرو وجود پیش شرطها و ملزومات متعددی است. بنابراین در ادامه، شروط و زمینه‌های ایجاد تمایل به مشارکت، خصوصا در زمینه مشارکت در مدیریت آبیاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. جایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد شامل درآمد، سن، تجربه و سواد می‌تواند بر میزان مشارکت افراد تاثیرات مثبت یا منفی داشته باشد (امینی و خیاطی، ۱۳۸۵؛ زارعی دستگردی و همکاران، ۱۳۶۹؛ عزیزی، ۱۳۸۰؛ Mathijs & Toma, 2005؛ Smith, 2001). برخورداری افراد از تحصیلات، ممکن است باعث افزایش موقعیت‌های فرد در مشاغل غیرکشاورزی شده و کاهش مشارکت آنها در اقدامات گروهی را موجب گردد، از طرفی تحصیلات فرد و دسترسی افراد به منابع مالی غیرکشاورزی می‌تواند به افزایش مشارکت افراد در طرح‌های آبیاری، منجر گردد (Sserunkuuma *et al.*, 2000). نتایج مطالعه‌ای که در ناحیه چیتوان در کشور نپال انجام گرفت، نشان داد که سن و سطح سواد سرپرست خانوار از ویژگی‌هایی است که به میزان معنی‌داری بر میزان رضایت کشاورزان از نحوه مدیریت سیستم‌های آبیاری توسط تشکل‌های کشاورزان،

نهایت به انتقال مدیریت می‌انجامد، فرآیندی است که با جلب مشارکت واقعی کشاورزان، امکان موفقیت می‌یابد، دارای مراحل طولانی بوده و به زمان زیادی احتیاج دارد، لذا در تدوین این طرح، علاوه بر کارایی و قابلیت اقتصادی طرح، بایستی به نگرش و میزان علاقه بهره‌برداران، توجه داشت (منتظر و حیدریان، ۱۳۷۹).

نتایج تحقیق چیدری و همکاران با عنوان " فاکتورهای تاثیرگذار روی شرکت داوطلبان در فعالیتهای آموزش ترویجی در شهرستان تالش " نشان داد که احتمال وجود فواید فوری در مشارکت برای بهره‌بردار یکی از فاکتورهای موثر در مشارکت او محسوب می‌گردد (Chizari et al., 1999).

رضایت بهره‌برداران از وضعیت تاسیسات آبیاری می‌تواند موجب کاهش یا افزایش مشارکت آنها در طرح‌های آبیاری گردد (حیدریان، ۱۳۸۴؛ سلطانی و ترکمانی، ۱۳۷۸؛ عزیزی خالخیلی، ۱۳۸۶؛ قاسمی، ۱۳۸۴).

در صورت مساعد بودن همه عوامل ضروری، قصد مشارکت در فرد، پدید می‌آید، اما تنها قصد مشارکت برای اقدام به مشارکت، کافی نیست و وجود امکانات لازم نیز شرط است (پورطرق، ۱۳۸۰). تامین شرایط فنی، تشکیلاتی و سازمانی به شکل مناسب و مقتضی و ارائه آموزش‌های مناسب، می‌تواند بر مشارکت افراد در مدیریت آبیاری موثر باشد (خورشیدی‌فر، ۱۳۸۴؛ عزیزی، ۱۳۸۰؛ Dolisca et al.; Damianos & Giannakopoulos, 2002; Legoupil et al., 2000).

نتایج چندین مطالعه در خصوص مشارکت، حمایت و پشتیبانی نهادهای دولتی و اجرای سیاست‌های مناسب را از جمله عوامل موثر بر مشارکت برشمرده است (پورطرق، ۱۳۸۰؛ زارعی دستگردی و همکاران، ۱۳۶۹). نتایج مطالعات صورت گرفته در تعدادی از روستاهای واقع در محدوده شبکه سفید رود گیلان، توسط مهندسين (تسهیلگران) مشاور پندام، نشان داد، بهره‌بردارانی که در زمینه انتقال مدیریت آبیاری در کارگاه‌های آموزشی، توجیه شده بودند به نحو بارزی دارای روحیه مشارکت پذیری بودند (کههریزی، ۱۳۷۷).

طرح‌های آبیاری این است که آنها از رویارویی با موقعیت‌های ناشناخته و احیانا از دست دادن منابع حداقل خود، هراس دارند (De Lange et al., 2000). بر اساس نتایج مطالعات انجام گرفته، تعارض و عدم هماهنگی بین زارعان (مالک، اجاره دار، کم زمین)، عدم وجود هم سوئی و تعاون بین روستائیان، از موانع موجود در مشارکت کشاورزان بوده است (اجتماعی و همکاران، ۱۳۷۸). اختلاف سلیقه بین بهره‌برداران و عدم وجود فرهنگ همیاری و تعاون در منطقه، از موانع و مشکلات موجود بر سر راه فعالیت تشکل آب‌بران در شبکه‌های نکوآباد و آبشار اصفهان و از جمله عوامل عدم توفیق این تشکل محسوب می‌شود (خورشیدی‌فر، ۱۳۸۴). احساس تقدیرگرایی و ناتوانی، گریز از ریسک‌پذیری و بی‌اعتمادی به انگیزه تغییر و توسعه، از جمله موانع مشارکت در روند توسعه محسوب می‌گردد (Pallen, 1996). از کیا "به نقل از لمبتون و خسروی"، به وجود تقدیرگرایی در بین روستائیان ایرانی، اشاره داشته و معتقد است که تقدیرگرایی و عدم تحرک، با مشارکت پیوند مثبتی ندارند (از کیا، ۱۳۸۲).

میزان وابستگی افراد و معیشت آنان به منابع و تاسیسات آبی می‌تواند تعیین کننده میزان مشارکت آنها در اداره امور آبیاری باشد (پورزند، ۱۳۷۸؛ Bagadion, 2000; Wegerich, 2001). از دیگر عوامل موثر در شکل‌گیری انگیزه‌های درونی در زمینه مشارکت، قضاوت در زمینه پیامدهای متصور برای مشارکت است (خورشیدی فر، ۱۳۸۴؛ Holland et al., 2000؛ Im et al., 2000؛ Sserunkuuma, et al., 2000).

بر اساس تحقیقات انجام گرفته، تاثیر نگرش بر تمایل رفتاری، قوی‌تر از تاثیر عوامل ساختاری است، همچنین تمایل به انجام رفتار در روستائیان به طور مستقیم به نگرش آنها مربوط می‌شود (Mathijs & Toma, 2005). در بررسی فاکتورهای تاثیرگذار روی مشارکت پایدار کشاورزان در جنگلداری مشارکتی توسط سالام و همکاران، مشخص شد که اطمینان مشارکت کنندگان از برآورده شدن منافع مورد تمایل آنها از عواملی است که به طور مثبت و معنی‌دار با مشارکت پایدار همبستگی دارد (عزیزی خالخیلی، ۱۳۸۶). مشارکت در مدیریت که در

۳. بررسی میزان رضایت اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس از وضعیت موجود مدیریت آبیاری و تاسیسات آبیاری

۴. بررسی میزان وابستگی معیشت اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس به آب، آبیاری و تاسیسات آبیاری

۵. بررسی نگرش اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس نسبت به مدیریت مشارکتی آبیاری

۶. بررسی میزان برخورداری اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس از مشوق‌ها و امکانات مشارکت

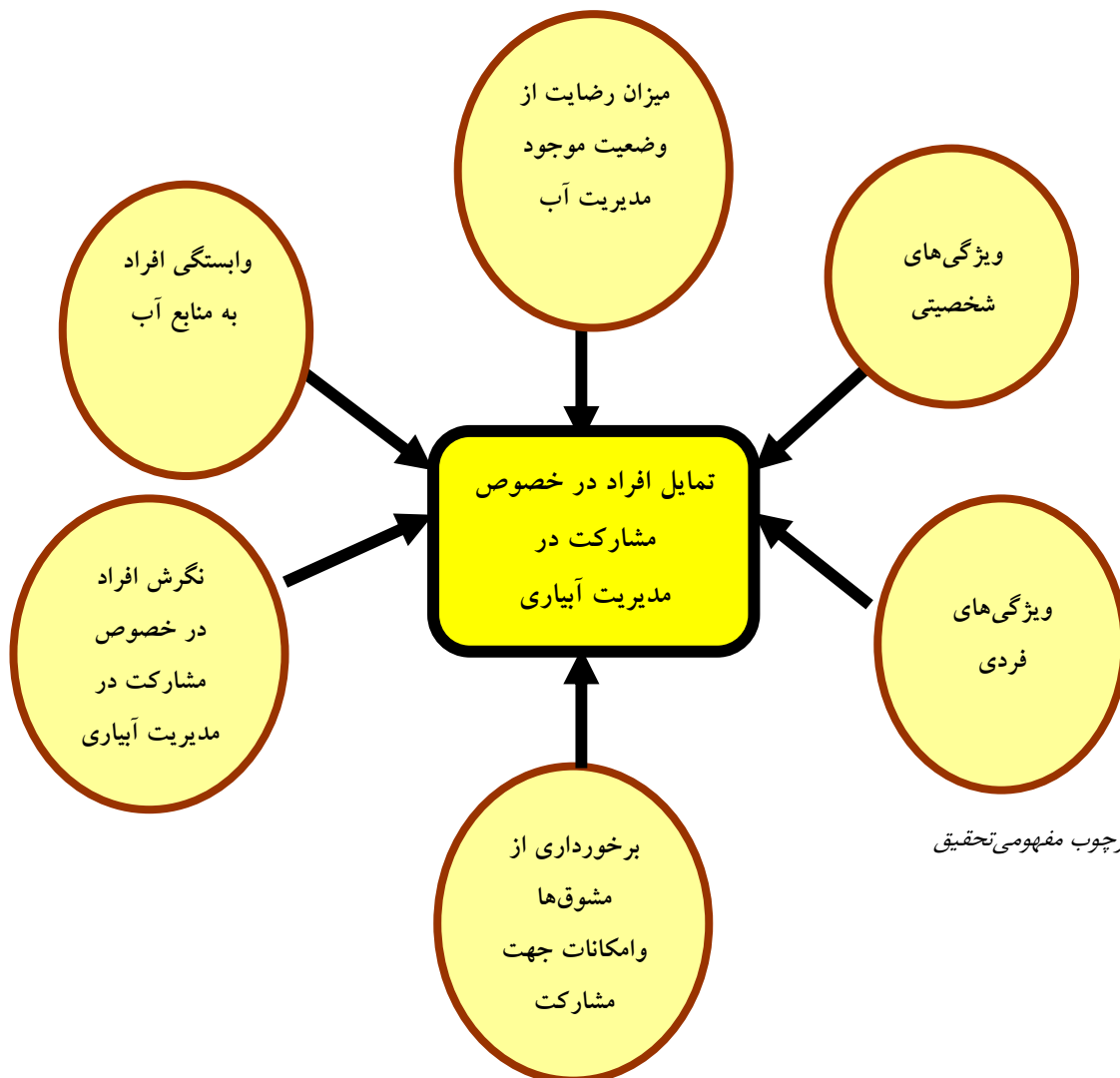
۷. بررسی میزان تمایل اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس به مشارکت در مدیریت آبیاری

۸. بررسی عوامل موثر بر میزان تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری اعضا تعاونی‌های سفید برگ و سراب

بس

بررسی سوابق موجود در مورد مشارکت، هم‌چنین مطالعات صورت گرفته درباره مشارکت در مدیریت آبیاری، نشان داد که عوامل متعددی بر تمایل به مشارکت افراد در مدیریت آبیاری، موثر هستند که این مجموعه عوامل به شکل‌گیری چارچوب مفهومی تحقیق منجر شد که در نگاره ۱ ارائه گردیده است. اهداف این پژوهش بر تحلیل تمایل اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس استان کرمانشاه، نسبت به مشارکت در مدیریت آبیاری تعیین گردید و همچنین اهداف اختصاصی پژوهش بر موارد زیر قرار گرفت:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس
۲. بررسی ویژگی‌های شخصیتی اعضا تعاونی‌های آب‌بران سفید برگ و سراب بس



نگاره ۱: چارچوب مفهومی تحقیق

## روش پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع روش‌های کمی و کاربردی بوده، در گروه تحقیقات توصیفی و از سری تحقیقات همبستگی می‌باشد، جامعه آماری این تحقیق شامل اعضاء تعاونی‌های سفیدبرگ و اعضاء تعاونی آبران سراب بس بوده که هر دو تعاونی نامبرده در شهرستان جوانرود استان کرمانشاه واقع شده اند. تعداد اعضاء تعاونی‌ها به ترتیب ۲۲۵ و ۳۷ نفر بود.

از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه ای (Stratified Random Sampling) استفاده شد و در نهایت حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت و همکاران (Bartlett et al. 2001) ۱۰۳ نفر تعیین گردید. ابراز پژوهش، پرسشنامه‌ای مشتمل بر هفت بخش و هم چنین تعدادی پرسش‌های باز می‌باشد. بخش اول به بررسی ویژگی‌های فردی شامل سن، تحصیلات و درآمد بهره‌برداران اختصاص دارد. در بخش دوم، ویژگی‌های شخصیتی شامل اعتماد به نفس (۵ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد)، جمع‌گرایی (۱۰ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد) و تقدیر گرایی (۱۰ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد) بررسی گردید. در بخش سوم، وابستگی معیشت بهره‌برداران به منابع آب از طریق بررسی وضعیت شغلی بهره‌برداران، نوع منابع آب مورد استفاده، میزان مزارع و باغات دیم و آبی بهره‌برداران، درآمد کشاورزی و غیر کشاورزی بهره‌برداران و سابقه زراعت آبی بررسی شد. بخش چهارم تا ششم به سنجش رضایت بهره‌برداران از وضعیت اداره امور آبیاری (۵ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد)، وضعیت نگرش بهره‌برداران به مقوله مدیریت مشارکتی (۱۵ گویه با طیف

۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد)، ارزیابی مشوق‌ها و امکانات درجهت مدیریت مشارکتی آبیاری (۷ گویه با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از خیلی کم تا خیلی زیاد) و در نهایت بخش هفتم به بررسی متغیر وابسته در این پژوهش که تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری است می‌پردازد. مطابق بررسی منابع و ادبیات تحقیق، برای مدیریت آبیاری ابعادی شامل ۱- تعمیر تاسیسات ۲- نگهداری و حفاظت از تاسیسات آبیاری ۳- توزیع آب ۴- حل و فصل اختلافات بر سر مسائل آب و آبیاری ۵- تامین هزینه‌های آبیاری، در نظر گرفته شده است، لذا تمایل بهره‌برداران به مشارکت در مدیریت آبیاری از طریق جمع‌بندی گویه‌های مربوط به ابعاد مزبور، محاسبه شده است که در نهایت گروه‌بندی بهره‌برداران در قالب دو دسته ۱- بهره‌برداران با عدم تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری ۲- بهره‌برداران با تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری، نشان داد که ۵۲/۴ درصد در دسته اول و ۴۷/۶ درصد در دسته دوم قرار می‌گیرند. به منظور تایید روایی صوری، پرسشنامه توسط صاحب‌نظران دانشگاهی و کارشناسان مرتبط با مسائل تعاونی‌های آبران مورد بررسی قرار گرفته و پس از انجام اصلاحات لازم، روایی پرسشنامه تایید شد. پایایی پرسشنامه نیز با انجام آزمون پیش‌آهنگی توسط ۳۰ نفر از بهره‌برداران در جامعه‌ای مشابه با جامعه مورد مطالعه و خارج از جامعه مزبور تکمیل گردید، پایایی مقیاس‌ها و آزمون‌های پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ تعیین شد. ضریب آلفای محاسبه شده برای هر یک از بخش‌های پرسشنامه در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به این که ضرایب آلفای محاسبه شده بالاتر از ۰/۷ بوده است، این پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار می‌باشد.

جدول ۱- ضرایب آلفای محاسبه شده

آلفای کرونباخ	مقیاس‌ها
۰/۷۵	شخصیتی
۰/۷۰	نگرش
۰/۷۰	رضایت
۰/۷۲	مشوق
۰/۸۸	تمایل

## یافته‌ها و بحث

## ۱- یافته‌های توصیفی

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی به شرح ذیل می باشد:

میانگین سنی بهره‌برداران ۵۲ سال بوده، ۶۰ درصد از آنها بی سواد و ۵۸ درصد از درآمد ماهیانه‌ای کمتر از ۱۰۰ هزار تومان برخوردار بودند. میزان اعتماد به نفس، جمع‌گرایی و تقدیرگرایی اغلب بهره‌برداران در حد متوسط بود. شغل اصلی حدود ۷۷ درصد از بهره‌برداران، کشاورزی بوده، منبع آبیاری مورد استفاده ۸۱ درصد از بهره‌برداران، ایستگاه پمپاژ، میانگین وسعت اراضی و باغات دیم ۲/۱ هکتار، میانگین وسعت اراضی و باغات آبی ۱/۶ هکتار، میانگین درآمد کشاورزی و غیر کشاورزی در ماه به ترتیب ۶۲۰ هزار ریال و ۸۴۰ هزار ریال، و میانگین سابقه زراعت آبی در بین بهره‌برداران ۷ سال بود.

اغلب بهره‌برداران از وضعیت اداره امور آبیاری در حد متوسط رضایت داشتند، حدود ۷۸ درصد از بهره‌برداران از تاسیسات آبیاری با قدمت حدود ۵ سال (با استهلاک بیشتر) استفاده می‌کنند. نگرش اغلب بهره‌برداران در خصوص مدیریت مشارکتی آبیاری در حد متوسط بوده است. اغلب بهره‌برداران مشوقها و امکانات در جهت مدیریت مشارکتی آبیاری را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۵۲ درصد از بهره‌برداران به مشارکت در مدیریت آبیاری تمایل داشته و حدود ۴۸ درصد تمایلی به مشارکت در این خصوص نداشتند.

## ۲- یافته‌های استنباطی

در بخش استنباطی یا تحلیلی، بررسی رابطه میان متغیرها و بررسی سئوالات تحقیق مورد نظر می‌باشد. روش آماری مورد استفاده در این بخش، روش تحلیل تشخیصی (Discriminate analysis) است. تحلیل تشخیصی، ترکیب دو یا چند متغیر مستقل را که به بهترین وجه، تفاوت بین دو گروه را تبیین می‌کند، نشان می‌دهد. این موضوع از طریق حداکثر کردن واریانس بین گروه‌ها نسبت به واریانس درون گروه‌ها بر مبنای یک قاعده تصمیم‌گیری

آماري انجام می‌گیرد که به صورت نسبت واریانس بین گروه‌ها به واریانس درون گروه‌هاست. به منظور تشخیص گروه‌ها بر مبنای تمایل یا عدم تمایل نسبت به مدیریت مشارکتی آبیاری، از روش تحلیل تشخیصی گام به گام استفاده شده است. در این روش، متغیرهای مستقل بر اساس اصول آماری خاصی به تحلیل وارد شده و یا خارج می‌شوند. متغیرهای آنالیز را که در آغاز و سپس در هر قدم بعد از آن تا قدم نهایی در آنالیز حضور ندارند لیست می‌شود. متغیرهایی که در مرحله ۷ باقی مانده‌اند، هرگز وارد تحلیل نمی‌شوند. چون مقدار F ورود آنها کوچکتر از معیار ۳/۸۴ است.

در مرحله بعد، متغیرها بر اساس کمترین لامبدا وارد شده‌اند. ابتدا متغیر وضعیت تاسیسات آبیاری، وارد شد اما با وارد شدن این متغیر به ترکیب، مقادیر لامبدا تغییر کرد و در مرحله بعدی نیز مجدداً متغیری که کمترین مقدار لامبدا را داشت، وارد تحلیل گردید. به این ترتیب در ادامه، متغیرهای نگرش، میزان باغات و مزارع دیم، سطح تحصیلات و نهایتاً سن بهره‌بردار نیز وارد معادله شدند.

همچنین مقدار همبستگی کانونی به دست آمده ۰/۷۸۹ می‌باشد که بر اساس آن، مجذور ضریب همبستگی کانونی  $0/622 = (0/789)^2$  محاسبه گردید و این بدان معنی است که تابع تمایز، ۶۲ درصد از واریانس تمایل به مشارکت افراد را تبیین می‌کند. معادله تشکیل شده برای تمایز دو گروه دارای مقدار کای اسکویئر ۹۵/۰۵۸ می‌باشد که با درجه آزادی ۷ در سطح بالایی معنی دار است. این آماره بر معنی‌داری تابع تشخیص دلالت دارد.

در جدول ۲ مقادیر استاندارد نشده که ضرایب معادله تشخیصی یا متمایز کننده دو گروه هستند، ارائه شده است. بر اساس این جدول، از بین مجموعه متغیرهای مورد بررسی پنج متغیر موجود در جدول به بهترین وجه دو گروه را متمایز می‌نماید.

جدول ۲- ضرایب استاندارد نشده (Canonical discriminant function coefficients)

متغیر	ضرایب
سن	-۰/۰۲۵
سطح تحصیلات	-۰/۷۲۶
نگرش	۰/۰۸۶
وضعیت تأسیسات آبیاری	۱/۴۴۱
مزارع و باغات دیم	-۰/۳۰۵
مقدار ثابت	-۱/۵۴۶

در نهایت با استفاده از مقادیر ضرایب استاندارد نشده معادله رگرسیونی متمایزکننده شکل می‌گیرد که ترکیبی از چند متغیر مستقل است و به بهترین شکل، تفاوت بین دو گروه را از نظر تمایل به مدیریت مشارکتی آبیاری تبیین می‌کند.

$$Y = -1/546 - 0/025 (X_1) - 0/726 (X_2) + 0/086 (X_3) + 1/441 (X_4) - 0/305 (X_5)$$

$Y$  = تمایل به مشارکت

$X_1$  = سن

$X_2$  = سطح تحصیلات

$X_3$  = نگرش

$X_4$  = وضعیت تأسیسات آبیاری

$X_5$  = مزارع و باغات دیم

کرده است. بنابراین ۹۴ نفر از ۱۰۳ نفر به درستی گروه‌بندی شده‌اند و نرخ موفقیت ۹۱/۳ درصد است (جدول ۳).

مطابق نتایج بدست آمده، سن، سطح تحصیلات بهره‌برداران، نگرش آنها نسبت به مدیریت مشارکتی آبیاری، وضعیت تأسیسات آبیاری مورد استفاده بهره‌برداران و در نهایت وسعت باغات و مزارع دیم مورد بهره‌برداری، متغیرهایی هستند که در تمایز دو گروه بهره‌بردار، از جهت تمایل به مشارکت در امور آبیاری نقش دارند. لذا در پاسخ به سئوالات تحقیق و تطبیق نتایج با چارچوب مفهومی باید عنوان داشت که سن و سواد از مجموعه متغیرهای فردی، وضعیت تأسیسات آبیاری در رابطه با متغیر رضایت بهره‌برداران از اداره امور آبیاری، میزان مزارع و باغات دیم و در نهایت متغیر نگرش در تشخیص تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری موثر بوده‌اند. میزان مالکیت مزارع و باغات دیم از عوامل مربوط به وابستگی معیشت افراد به آب و آبیاری، یکی از عواملی است که در تمایل و البته در جهت منفی تاثیر داشته است.

تحلیل تشخیصی در آخرین بخش برون‌دادها میزان موفقیت تابع تشخیص را ارائه می‌دهد. به این ترتیب که در ۵۲ مورد، تابع به درستی تشخیص داده است که بهره‌برداران تمایلی به مشارکت در مدیریت آبیاری نداشته و هم چنین در ۴۲ مورد به درستی، تمایل را پیش‌بینی

جدول ۳- میزان موفقیت تابع تشخیص (Classification results)

جمع	پیش بینی عضویت گروهی		عدم تمایل	وضعیت تمایل
	تمایل	عدم تمایل		
(/۱۰۰)۵۴	(/۳/۷)۲	(/۹۶/۳)۵۲	عدم تمایل	
(/۱۰۰)۴۹	(/۸۵/۷)۴۲	(/۱۴/۳)۷	تمایل	



هزینه‌های مرتبط توسط آنها ایجاد نموده است. از طرفی نابسامانی‌های تاسیسات آبیاری ضمن ایجاد اختلاف در بین بهره‌برداران، موجب بی‌اعتمادی آنها به زراعت آبی و منافع ناشی از آن می‌گردد، جلب مشارکت کشاورزان در زمینه مدیریت آبیاری را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد و حتی به دلیل نارضایتی بهره‌برداران، تخریب تاسیسات آبیاری توسط آنها را در پی دارد. در مطالعه اخیر نیز تمامی افرادی که از تاسیساتی با استهلاک کمتر (با دو سال سابقه بهره‌برداری) استفاده می‌کنند، در گروه بهره‌بردارانی قرار دارند که تمایل آنها به مشارکت در امور آبیاری زیاد است. ضمن این که با توجه به تحلیل محتوایی سئوالات باز پرسشنامه، این افراد نسبت به مشارکت در امور آبیاری خوشبین تر هستند، به طوری که هدف دولت از به مشارکت واداشتن بهره‌برداران را سپردن امور مرتبط آنها به خودشان و نه تحمیل مشکلات دولت به بهره‌برداران می‌دانند.

نگرش بهره‌برداران نسبت به مسئله مشارکت در اداره امور آبیاری عامل دیگری است که در تشخیص تمایل آنها به مشارکت، تاثیر مثبت داشته است. این نتیجه در راستای نظرات منتظر و حیدریان (۱۳۷۹)، حسینی نیا (۱۳۸۴)، قاسمی (۱۳۸۴)، خورشیدی فر (۱۳۸۴)، سربونکیوما و همکاران (Sserunkuuma et al., 2000)، توم و متیجس (Toma & Mathijs, 2005) و اسمیت (Smith, 2001) بوده که در مجموع، علاوه بر تاکید بر نقش محوری و تعیین کننده نگرش در ایجاد تمایل به رفتار، در این زمینه استدلال می‌کنند که کشاورزان با تحلیل سود و زیان خود و ارزیابی که از مسئله مشارکت بهره‌برداران در امور آبیاری در ذهن خود دارند، ممکن است که به مشارکت روی آورده و یا از آن احتراز جویند. متغیر سن از مجموعه ویژگی‌های فردی بهره‌برداران، آخرین عاملی است که در تشخیص تمایل افراد به مشارکت در مدیریت آبیاری دارای اهمیت بوده و بر تمایل افراد به مشارکت در جهت عکس، تاثیر داشته است، هم چنان که مطابق بررسی‌ها، مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در این خصوص توسط قاسمی (۱۳۸۴)، اسمیت (Smith, 2001)، سربونکیوما و همکاران (Sserunkuuma et al., 2000)،

نتیجه مزبور در تایید مطالعات پورزند (۱۳۷۸)، ویگریچ (Wegerich, 2001)، سربونکیوما و همکاران (Bagadion, Sserunkuuma et al., 2000) و باگدیون (Sserunkuuma et al., 2000) می‌باشد که در مجموع عقیده دارند، بهره‌بردارانی بیشتر تمایل به مشارکت در امور آبیاری دارند که وسعت اراضی آبی آنها بیشتر بوده و معیشت آنها متکی به زراعت آبی و منافع ناشی از آن باشد. لذا در این مطالعه، وسعت اراضی دیم بر تمایل بهره‌برداران به مشارکت در مدیریت آبیاری تاثیر منفی دارد. سطح تحصیلات بهره‌برداران عامل بعدی است که بر تشخیص میزان تمایل افراد در خصوص مشارکت آنها، تاثیر منفی داشته است. اگرچه مطابق مطالعات و تحقیقات لیپست، توم و متیجس (Toma & Mathijs, 2005)، اسمیت (Smith, 2001)، پراسادباتا و همکاران (Prasad Bhatta et al., 2006) و قاسمی (۱۳۸۴) تاثیر مثبت تحصیلات بر مشارکت افراد مورد تایید قرار گرفته است. با این وجود، بر اساس برخی از مطالعات دیگر، از جمله مطالعه سربونکیوما و همکاران (Sserunkuuma et al., 2000) گاهی مواقع، برخورداری افراد از سطح تحصیلات بالاتر، می‌تواند در مشارکت آنها، تاثیر منفی نیز داشته باشد. به این ترتیب که سطح بالاتر تحصیلات افراد باعث دسترسی بیشتر آنها به منابع مالی غیر کشاورزی و کاهش مشارکت آنها در کارهای جمعی مربوط به امور کشاورزی می‌گردد که در مطالعه اخیر نیز سطح تحصیلات بر میزان تمایل به مشارکت در مدیریت آبیاری تاثیر منفی داشته است.

وضعیت تاسیسات آبیاری مورد استفاده توسط بهره‌برداران به عنوان یکی از شاخص‌های مربوط به رضایت بهره‌برداران از وضعیت تامین و توزیع آب، عامل بعدی است که در ایجاد تمایل به مشارکت در اداره امور آبیاری تاثیر داشته که این مسئله در تایید پژوهش‌های دولیسکا (Dolisca et al., 2006)، هم چنین مطالعات صورت گرفته توسط آیم و همکاران (Im et al., 2000) و سلطانی و ترکمانی (۱۳۷۸) بوده است که همه آنها بر این نکته تاکید دارند که وضعیت مناسب تاسیسات آبیاری و جلب اطمینان بهره‌برداران از تامین آب کافی، انگیزه لازم را در جهت مشارکت در اداره امور آبیاری و تامین

امکان‌پذیر نمی‌بینند؛ ۲۲ مورد (۲۱/۳ درصد) معتقد هستند که مدیریت مشارکتی آبیاری در جهت ایجاد قدرت و اختیار بهره‌برداران برای اداره مسائل مربوط به خودشان می‌باشد؛ ۶ مورد (۵/۸ درصد) دلیل این مسئله را افزایش مسئولیت‌پذیری بهره‌برداران و نگهداری بهتر از تاسیسات توسط آنان دانسته‌اند و ۴ مورد (۳/۹ درصد) به مشکلات متعدد ایستگاه، ناتوانی بخش دولتی در حل این مشکلات و در نهایت انتقال مشکلات به بهره‌برداران از این طریق اشاره دارند (جدول ۴).

تحلیل محتوای پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که "مهمترین مشکلات ایستگاه و اداره امور آبیاری چیست؟" از ۱۰۳ پاسخ، ۵۴ مورد (۵۲ درصد) آنها، مستهلک بودن تاسیسات و تجهیزات آبیاری و خرابی مکرر آن را به عنوان مشکل اصلی عنوان داشته‌اند؛ ۲۵ مورد (۲۴ درصد)، قطع مکرر برق را مشکل اصلی می‌دانند؛ ۱۸ مورد (۱۷ درصد)، عنوان داشته‌اند که وضعیت تاسیسات آبیاری مناسب است و در تامین آب، مشکل خاصی وجود ندارد که این افراد غالباً از اهالی روستای سراب بس می‌باشند. این بهره‌برداران از تاسیسات آبیاری استفاده می‌کنند که به دلیل حدود دو سال بهره‌برداری، کمتر فرسوده شده و مشکلات کمتری دارد و ۶ مورد (۵/۸ درصد)، اطلاعی از مشکلات اداره امور آبیاری نداشتند (جدول ۵).

عزیزی (۱۳۸۰)، پراسادباتا و همکاران (Prasad Bhatta et al., 2006) تاثیر عامل سن افراد بر میزان مشارکت آنها محرز گردیده است. در اکثر مطالعات صورت گرفته، سن با مشارکت رابطه منفی دارد. بخشی از دلایل وجود این رابطه منفی را می‌توان محافظه‌کاری بیشتر افراد در سنین بالاتر در رویارویی با شرایط جدید دانست، همچنین برخورداری افراد مسن از تجربیات منفی در زمینه مشارکت می‌تواند از دیگر عوامل موثر در این خصوص باشد.

### ۳- تحلیل محتوایی سئوالات باز:

اطلاعات استخراج شده از سئوالات باز پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS در قالب چند مقوله‌گذاری، سپس درصد و فراوانی مربوط به هر مقوله محاسبه گردید. نتایج بدست آمده طی جداولی تنظیم و ارائه گردیده است. تحلیل محتوای پاسخگویان در پاسخ به این سؤال که "به چه دلیل دولت تمایل دارد که در مدیریت آبیاری از مشارکت بهره‌برداران استفاده نماید؟" از ۱۰۳ پاسخ، ۴۵ مورد (۴۳/۷ درصد) آن را به هدف تحمیل هزینه‌های اداره تاسیسات آبیاری به مردم می‌دانند؛ ۲۶ مورد (۲۵/۲ درصد)، عنوان داشتند که هدف دولت را از این کار نمی‌دانند اما به واسطه مشکلات مالی مردم و اختلافات فراوان بین آنها، مدیریت امور آبیاری توسط بهره‌برداران را

### جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخ‌های سؤال "به چه دلیل دولت تمایل دارد که در مدیریت آبیاری از مشارکت بهره‌برداران استفاده نماید؟"

درصد	فراوانی	اولویت	پاسخ‌ها
۴۳/۷	۴۵	۱	تحمیل مسائل و مشکلات مالی به کشاورزان
۲۵/۲	۲۶	۲	صرف نظر از اهداف آن، در شرایط فعلی به دلیل مشکلات مالی بهره‌برداران و اختلافات بین آنها، امکان پذیر نیست
۲۱/۳	۲۲	۳	ایجاد قدرت و اختیار در بهره‌برداران جهت اداره مسائل مربوط به خود
۵/۸	۶	۴	تقویت حس مسئولیت‌پذیری در بین بهره‌برداران
۳/۹	۴	۵	ناتوانی دولت در اداره امور آبیاری و انتقال مشکلات آن به بهره‌برداران

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخ‌های سئوال "مهمترین مشکلات ایستگاه و اداره امور آبیاری چیست؟"

درصد	فراوانی	اولویت	پاسخ‌ها
۵۲	۵۴	۱	مستهلك بودن تاسیسات و تجهیزات آبیاری
۲۴	۲۵	۲	قطع مکرر برق
۱۷	۱۸	۳	عدم وجود مشکل در تاسیسات آبیاری
۵/۸	۶	۴	عدم اطلاع در خصوص مشکلات مرتبط

به پرداخت حقا به پس از نصب کنتور را دلیل عدم نصب کنتور عنوان نموده و ۳ مورد (۲/۹ درصد) نیز بیان داشتند که مشکلی در زمینه نصب کنتور وجود ندارد (جدول ۶). تحلیل محتوای پاسخگویان در پاسخ به این سئوال که "آیا با دریافت وام جهت توسعه سیستم‌های آبیاری موافق هستید؟" نشان داد که از ۱۰۳ پاسخ، ۵۰ مورد (۴۸/۵ درصد) به دلیل مشکلات شرعی سود وام حاضر به دریافت وام نبوده، ۴۲ مورد (۴۰/۷ درصد) با دریافت وام جهت توسعه و ارتقا سیستم‌های آبیاری موافق هستند، ۹ مورد (۸/۷ درصد)، به دلیل عدم توان باز پرداخت، تمایلی به دریافت وام ندارند و ۲ مورد (۱/۹ درصد) به دلیل برخورداری از وضعیت مالی مناسب، تمایل به دریافت وام ندارند (جدول ۷).

تحلیل محتوای پاسخگویان در پاسخ به این سئوال که "موانع موجود جهت نصب کنتور (به منظور تعیین دقیق میزان مصرف آب توسط هر بهره‌بردار و تعیین میزان حقا به بر اساس آن) چیست؟" از ۱۰۳ پاسخ، ۴۴ مورد (۴۲/۷ درصد)، عدم نصب کنتور توسط سایر بهره‌برداران را دلیل اصلی، عنوان داشته‌اند، ۲۶ مورد (۲۵/۲ درصد) به مسئله گران بودن کنتور اشاره داشته‌اند، ۱۱ مورد (۱۰/۷ درصد)، به مشکلات نگهداری از کنتور اشاره داشته، ۶ مورد (۵/۸ درصد)، اجباری نبودن نصب کنتور برای بهره‌برداران را مانع نصب کنتور دانسته، ۲ مورد (۱/۹ درصد)، عدم اطمینان به تامین آب کافی را دلیل عدم نصب کنتور می‌دانند، ۵ مورد (۴/۸ درصد)، نصب کنتور را کاری بی‌فایده می‌دانند، ۳ مورد (۲/۹ درصد)، مجبور شدن

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخ‌های سئوال "موانع موجود جهت نصب کنتور (به منظور تعیین دقیق میزان مصرف آب توسط هر بهره‌بردار و تعیین میزان حقا به بر اساس آن) چیست؟"

درصد	فراوانی	اولویت	پاسخ‌ها
۴۲/۷	۴۴	۱	عدم تمایل بیشتر کشاورزان به نصب کنتور
۲۵/۲	۲۶	۲	قیمت بالا
۱۰/۶	۱۱	۳	مشکلات نگهداری
۵/۸	۶	۴	اجباری نبودن نصب
۱/۹	۲	۵	تامین نبودن منابع آب کافی
۴/۸	۵	۶	بی‌فایده دانستن نصب کنتور
۲/۹	۳	۷	مجبور شدن به پرداخت حق آبه بعد از نصب کنتور
۲/۹	۳	۸	عدم وجود مشکل در زمینه نصب کنتور

جدول ۷- توزیع فراوانی پاسخ‌های سؤال "آیا با دریافت وام جهت توسعه سیستم‌های آبیاری موافق هستید؟"

درصد	فراوانی	اولویت	پاسخ‌ها
۴۸/۵	۵۰	۱	مغایر بودن استفاده از وام با مسائل شرعی ( بهره وام)
۴۰/۷	۴۲	۲	موافقت با دریافت وام
۸/۷	۹	۳	مخالفت با دریافت وام به دلیل عدم توان بازپرداخت
۱/۹	۲	۴	مخالفت با دریافت وام به دلیل بر خورداری از وضعیت مالی مناسب

حاضر به پرداخت حقه‌های بر اساس آب مصرف شده است.

عدم تمایل به بهره‌گیری از تسهیلات بانکی جهت توسعه و نوین‌سازی سیستم‌های آبیاری توسط تقریباً نیمی از بهره‌برداران (۴۷ درصد) مسئله‌ای قابل تامل است. عدم تمایل بهره‌بردار به استفاده از وام با توجه به پایین بودن درآمد و مشکلات مالی بهره‌برداران ناشی از اعتقادات مذهبی آنها بوده است. از نظر بهره‌برداران مزبور، دریافت وام مشکل شرعی دارد و آنها به همین دلیل، از دریافت وام جهت توسعه اراضی آبی و بکارگیری سیستم‌های نوین، خودداری می‌کنند.

بنابراین باید اذعان داشت که کشاورزان به عنوان بهره‌برداران پروژه، مهمترین عامل در موفقیت یا عدم موفقیت اجرای طرح‌های توسعه کشاورزی به شمار می‌آیند. آن چه به عنوان مشکلات اجتماعی در اغلب پروژه‌ها مطرح می‌شود، زنجیره‌ای از مشکلات است که در فرهنگ، سنت و اعتقادات بهره‌برداران ریشه دارد و گاهی به گونه‌ای می‌شود که حتی بروز یک اختلاف یا مشکل کوچک اجتماعی، تا مدت‌ها روند اجرای پروژه را متوقف می‌نماید. در یک مورد عینی دیگر، در پروژه چمچمال، وجود یک درخت به ظاهر نظر کرده و مقدس (به اعتقاد گروهی از مردم) در مسیر یکی از کانال‌ها، مدتی اجرای کانال را متوقف کرده و در نهایت، به انحراف دادن مسیر کانال، منجر شد (دهقان و همکاران، ۱۳۸۴).

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱- مطابق نتایج این تحقیق، میزان مالکیت مزارع و باغات دیم از عوامل مربوط به وابستگی معیشت افراد به آب و آبیاری، و از عوامل موثر بر تمایل به مشارکت

بنابراین، نتایج مصاحبه غیر ساختاری با بهره‌برداران و تحلیل محتوایی پاسخ‌های آنها ضمن تایید بخشی از نتایج کمی نشان داد که عوامل دیگری هم چون وضعیت اقتصادی، روحیه همکاری و جمع‌گرایی بهره‌برداران، همینطور اعتقادات آنها در خصوص بهره‌گیری از تسهیلات در جهت توسعه تاسیسات آبیاری از عمده مسائلی هستند که بر تمایل بهره‌برداران در مشارکت در امور آبیاری، موثر می‌باشند. به طوری که ۲۵ درصد از بهره‌برداران، عدم وجود جمع‌گرایی در کنار مسئله ضعف مالی را از موانعی دانسته‌اند که مشارکت بهره‌برداران در مدیریت آبیاری را غیرممکن می‌سازد. تاثیر مثبت وضعیت اقتصادی در افزایش تمایل به مشارکت با نتایج تحقیقات سرونکیوما و همکاران (Sserunkuuma et al., 2000)، ویگریچ (Wegerich, 2001)، باگدیون (Bagadion, 2000)، منتظر و حیدریان (۱۳۷۹)، اسمیت (Smith, 2001)، آیم و همکاران (Im et al., 2000) و پورزند (۱۳۷۸) مطابقت داشته است. همچنین تاثیر جمع‌گرایی در بین بهره‌برداران بر تمایل آنها نسبت به مدیریت مشارکتی آبیاری نیز در راستای نتایج مطالعات توم و متیجس (Mathijs & Toma, 2005)، ازکیا (۱۳۸۲)، اجتماعی و همکاران (۱۳۷۸)، خورشیدی‌فر (۱۳۸۴)، افشار (۱۳۸۳) و پورزند (۱۳۷۸) بوده است. همچنین یکی دیگر از نتایج قابل توجه در مصاحبه با بهره‌برداران این بود که بهره‌برداران با توجه به توان مالی ضعیف، اگرچه به پرداخت حقه اعتقاد داشتند، ولی به دلیل این که از نظر آنها حقه به طور صحیح محاسبه نمی‌شود، از پرداخت آن امتناع می‌ورزند. طبق گفته‌های بهره‌برداران، حتی نیمی از مقدار زمینی که بر اساس آن برای افراد قبض حقه صادر شده است، در شرایط حاضر زیر کشت نیست. به عبارتی، بهره‌بردار تنها

- ۵- پیش از اقدام به جلب مشارکت، در این زمینه، نگرش‌سنجی صورت گرفته و سپس با برگزاری جلسات و کلاس‌های آموزشی و تبیین ضرورت مشارکت و هم‌چنین برشمردن پیامدهای واقعی و منطقی عدم مشارکت، در جهت ایجاد نگرش مساعد و پایدار، اقدام گردد.
- ۶- با توجه به اینکه منطبق کردن برنامه‌های توسعه با سنت‌ها و باورهای رایج در یک منطقه و احترام به آنها، تا حد زیادی در موفقیت اجرای پروژه، موثر است. پیشنهاد می‌شود به منظور تعیین نحوه اعطای تسهیلات ضمن برگزاری جلسات توجیهی و شنیدن نظرات بهره‌برداران، در این خصوص روش مناسبی را اتخاذ نمود.
- ۷- پیشنهاد می‌گردد ضمن تبیین و تشریح ضرورت پرداخت حقا، روش مناسبی جهت محاسبه آن با مشورت و رضایت بهره‌برداران، تعیین گردد. با توجه به اهمیت شکل‌گیری تعاونی‌های آب‌بران و ضرورت اجتناب ناپذیر همسوئی کشور با روند انتقال مدیریت آبیاری از بخش دولتی به تشکل‌های بهره‌برداران در سطح جهان و با عنایت به تنوع گسترده اقلیم و فرهنگ و منحصر به فرد بودن ویژگی‌های هر منطقه از کشور، ضرورت دارد که کارشناسان بومی هر منطقه از کشور، مطالعات گسترده‌ای را در این خصوص انجام دهند و هر چه سریع‌تر با شناسایی و رفع موانع، مدیریت مشارکتی آبیاری را آن‌چنان که شایسته پیشینه پر افتخار کشور در امر مدیریت امور آبیاری توسط تشکل‌های مردمی باشد، تحقق ببخشند.
- ۲- در امور آبیاری می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد با تامین آب مناسب، کشاورزان عضو تشکل‌های آب‌بران در جهت گسترش زراعت آبی تشویق شوند.
- ۳- با توجه به تاثیر وضعیت اقتصادی بر مشارکت افراد در اداره امور آبیاری و هم‌چنین سنگین بودن هزینه‌های نگهداری و تعمیر تاسیسات آبیاری، پیشنهاد می‌گردد که جهت بهره‌برداران کم درآمد، تسهیلات ویژه‌ای تامین و به شیوه‌ای که از نظر آنها قابل قبول باشد، ارائه گردد.
- ۴- وضعیت مناسب تاسیسات آبیاری و جلب اطمینان بهره‌برداران از تامین آب کافی، انگیزه لازم را در جهت مشارکت در اداره امور آبیاری و تامین هزینه‌های مرتبط توسط آنها ایجاد می‌نماید. از طرفی وضعیت نابسامان تاسیسات آبیاری ضمن ایجاد اختلاف در بین بهره‌برداران، موجب بی‌اعتمادی آنها به زراعت آبی و منافع ناشی از آن می‌گردد، جلب مشارکت کشاورزان در زمینه مدیریت آبیاری را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد و حتی به دلیل نارضایتی بهره‌برداران، تخریب تاسیسات آبیاری توسط آنها را در پی دارد لذا پیشنهاد می‌گردد تاسیسات آبیاری از بدو واگذاری به گروه‌های بهره‌بردار، دارای کارایی مناسب باشند.
- ۴- در ابتدای جلب مشارکت، افرادی که از لحاظ ویژگی‌های فردی و شخصیتی (سن، جمع‌گرایی و ...) وضعیت مناسب‌تری دارند توجیه شده و این افراد، دیگر بهره‌برداران را در خصوص ضرورت و فواید مشارکت در مدیریت آبیاری ترغیب نمایند.

#### منابع مورد استفاده

- اجتماعی، ع.، زاهدی، ع.، و فیاض، م. (۱۳۷۸). مشارکت کشاورزان در مدیریت بهره‌برداری از شبکه آبیاری گیلان، اولین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری، کمیته ملی آبیاری و زهکشی تهران.
- احسانی، م. و خالدی، ه. (۱۳۸۳). بهره‌وری آب کشاورزی. تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.
- ازکیا، م. (۱۳۸۲). تحلیل مبانی و نظریه‌های نظام‌های بهره‌برداری و روند تحول آنها با تاکید بر جامعه روستایی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در ایران، چالش‌ها و چاره‌ها، وزارت جهاد کشاورزی. معاونت ترویج و نظام‌های بهره‌برداری، ۱۰-۹ دی ماه ۱۳۸۲.

- افشار، ب. (۱۳۸۳). عملیاتی نبودن آئین نامه مصرف بهینه آب کشاورزی. گوه‌ران کویر. مجموعه مقالات اولین همایش بررسی مشکلات شبکه‌های آبیاری، زهکشی و مصرف بهینه آب کشاورزی. تهران: صص ۱۰۱-۱۰۲.
- امینی، الف، و خیاطی، م. (۱۳۸۵). عوامل موثر بر عدم موفقیت طرح تشکیل تعاونی‌های آب‌بران: استفاده از رگرسیون فازی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هجدهم، شماره ۵۳، صص ۶۹-۹۱.
- پورزند، ا. (۱۳۷۸). پیشینه و وضع موجود تشکل‌های مصرف‌کنندگان آب و تجربه عملی ایجاد تشکل‌های قانونی در شبکه آبیاری قزوین. اولین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری. تهران: کمیته ملی و زهکشی و آبیاری ایران.
- پورطرق، م. (۱۳۸۰). سازه‌های موثر بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های امور دام و صنایع روستایی استان هرمزگان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- حسینی نیا، غ. (۱۳۸۴). مدیریت مشارکتی در منابع طبیعی، نگرشی نوین بر واقعیتی دیرین. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری. قابل دسترس در: <www.tarvij.ir>.
- حیدریان، الف. (۱۳۸۴). انتقال مدیریت آبیاری: چرا و چگونه. چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. تهران: کمیته ملی و زهکشی و آبیاری ایران.
- خورشیدی‌فر، ج. (۱۳۸۴). تشکل‌های آب‌بران، گذشته، حال، آینده. چهارمین کارگاه فنی مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. تهران: کمیته ملی و زهکشی و آبیاری، ایران، ۸ دی ماه ۱۳۸۴، صص ۶۷-۷۴.
- دهقان، ن.، ورژدان، ع و میرابوالقاسمی، ه. (۱۳۸۴). گزیده‌ای از مشکلات احداث شبکه‌های فرعی آبیاری و زهکشی و تجهیز و نوسازی اراضی کشاورزی "مطالعه موردی واحد عمرانی الف پروژه چمچمال". نخستین کنفرانس ملی تجربه‌های ساخت شبکه‌های آبیاری و زهکشی، دانشگاه تهران.
- زارعی دستگردی، ز.، ایروانی، ه.، شعبانعلی فمی، ح.، و مختاری حصاری، الف. (۱۳۸۶). تحلیل ساز و کارهای بهبود مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی بخش جرقویه شهرستان اصفهان. علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد سوم، شماره دو، صص ۴۵-۵۶.
- سالکی، ح. (۱۳۶۹). مشارکت. تهران: مؤلف.
- سلطانی، غ.، و ترکمانی، ج. (۱۳۷۸). ارزیابی اقتصادی عملکرد شبکه‌های آبیاری و زهکشی و راهکارهای انتقال مدیریت به کشاورزان. تهران: کمیته ملی و زهکشی و آبیاری ایران.
- عزیزی، ج. (۱۳۸۰). پایداری آب کشاورزی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۳۶، سال نهم، صص ۱۱۳-۱۳۶.
- عزیزی خالخیلی، ط. (۱۳۸۶). سازه‌های موثر بر مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری، مورد مطالعه: شبکه آبیاری سد درودزن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز.
- قاسمی، م. ع. (۱۳۸۴). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی موثر بر میزان مشارکت روستائیان در طرح‌های عمرانی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان کاشان، فصلنامه علمی-پژوهشی روستا و توسعه. شماره ۴، سال هشتم، صص ۱۱۱-۷۸.
- کهریزی، ا. (۱۳۷۷). تجارب جهانی مشارکت کشاورزان در مدیریت آبیاری. مجموعه مقالات همایش مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبیاری. تهران: کمیته ملی و زهکشی و آبیاری ایران.
- منتظر، ع. و حیدریان، الف. (۱۳۷۹). رهیافت نوین در انتقال مدیریت شبکه‌های آبیاری. مجموعه مقالات دهمین همایش کمیته ملی آبیاری و زهکشی. تهران.

نجفی، ب. (۱۳۷۸). مدیریت آبیاری مشارکتی: مفاهیم، چارچوب و تجربیات جهانی. مجموعه مقالات گردهمایی علمی-کاربردی بررسی مسائل مدیریت شبکه‌های آبیاری و زهکشی. موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی. تهران. ص ۶۳-۷۹.

- Bagadion, B. U. (2000). Role of water users associations for sustainable irrigation management. Report of the APO seminar on organizational change for participatory irrigation management. Philippines, 23-27 October 2000.
- Bartlett, J. E., Kotrlik, J. W., & Higgins, C. C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning and Performance Journal*, 19(1), pp: 43-50.
- Chizari, M., Lindner, J. R., & Karjayan, S. (1999). Factors affecting involvement of voluntaries in extension education activities in Talesh Township, Iran. *Journal of Agriculture Education*, 40(3), pp: 61-68.
- Damianos, D., & Giannakopoulos, N. (2002). Farmers' participation in agri-environmental schemes in Greece. *British Food Journal*, 104(3-5), pp: 261-274.
- Dolisca, F., Carter, D. R., McDaniel, J. M., Shannon, D. A., & Jolly, C. M. (2006). Factors influencing farmers' participation in forestry management programs: A case study from Haiti. *Forest Ecology and Management*, 239(2-3), pp: 324-331.
- De Lange, M., Anedorff, J., & Crosby, C. T. (2000). Developing sustainable small - scall farmer irrigation in poor rural communities: introduction to guidelines and checklists for trainers and development facilitors. *6th international micro-irrigation congress*. 22 – 27 October 2000, South Africa.
- Holland, R. W., Werplandken, B., and Knippenberg, A. V. (2002 ). On the nature of attitude-behavior relations: the strong guide, the weak follow. *European Journal of Social Psychology*, 32 (6), pp: 869-876.
- Im, S. B., Lee, S. J., Koo, S. (2001). Community participation in the management of agricultural water in Korea. ICID 1st Asian Regional Conference, Seoul.
- Krueger N.F., Reilly, M. D., and Carsrud A. L. (2000). Competing models of entereprenaurial intentions. *Journal of Business Venturing*, 15 (5).
- Legoupil, J. C., Seck, S. M., Lidon, B., and Wade, M. (2000). Promoting professionalism in farmer managed irrigation, schemes to improve the performance of irrigated agriculture, *6<sup>th</sup> international micro-irrigation congress*. South Africa.
- Pallen, D. (1996). Environmental assessment manual for community development projects. Hull, Quebec: Canadian International Development Agency, Asia Branch.
- Prasad Bhatta, K., Tanguchi, K., and Sharma, R. (2006). Irrigation and drainage systems, Springer Netherlands, *Earth and Environmental Science*, 20 (2-3).
- Smith, K. (2001). Citizen participation in community development, Ohio state university fact sheet. Available at: <www.ohioline.osu.edu>.
- Sserunkuuma, D., Ochom, N., and Ainembabazi, H. (2004). Collective action in canal irrigation systems management: The case of Doho Rice scheme in *Uganda*. IFPRI Eastern Africa food policy network. Report 9, Kampala, Uganda: IFPRI. Available at : <http://www.ifpri.org/2020/nw/nwpapers/dohabr200306.pdf >.
- Toma, L., and Mathijs, E. (2005). Determinants of Romanian farmers' participation in agri-environmental programmers. The XIth International Congress of the EAAE (European Association of Agricultural Economists). The Future of Rural Europe in the Global Agri-Food System. Copenhagen, Denmark.
- Wegerich, K. (2001). The potentials for success: Uzbek local water management. occasional paper No. 29. Water Issues Study Group. School of Oriental and African Studies, University of London.
- World Bank. (1998). Guidebook on participatory irrigation management. Available at: <http://www.worldbank.org>.